

دود بی توجهی به آلودگی در چشم همه فرو می رود

حامد فوقانی
خبرنگار

یادداشت

اگر همین حالا به شما بگویند که یک واحد صنعتی، روزانه ۷ تن و سالانه حدود ۲۵۰۰ تن انواع آلاینده وارد هوای شهر می کند، بی تردید می گویند باید آن را تعطیل کنند یا تدابیری برای رفع آلودگی اش بیندیشند. اما اگر بگویند که فلان تعداد نیرو در آنجا مشغول کارند و در پی تعطیلی، بیکار می شوند، شاید جوابتان کمی تغییر کند. شاید هم بر این نظر باشید که واحد صنعتی آلاینده را باید تحت هر شرایطی تعطیل کنند چرا که سلامت چند میلیون شهروند نباید فدای بیکاری عده ای شود. اما به نظر می رسد مسائل کارگری و تعدادشان، بسیار مهم و چالش برانگیزتر از آن است که بشود به راحتی راجع به آن تصمیم گرفت. در این میان، مسئله بیکار شدن یا بازنشستگی پیش از موعد کارگران، طی چند سال گذشته، بهانه دست برخی واحدهای صنعتی آلاینده داده است. این موضوع در حالی رخ می دهد که آرای تعطیلی و انتقال کاملاً قانونی برای این واحدها صادر شده است. با وجود این، فعالیت شان ادامه می یابد و آلودگی های مختلف نصیب شهروندان می شود. مسئله، زمانی جالب می شود که کارگران هم به خاطر ترس ناشی از بیکاری، پشت کار فرمای خود در می آیند. جالب تر اینکه نمی دانند اگر کار فرما واقعا به قانون پایبند بود، از آنها به عنوان ابزار برای حرکت در مسیر خلاف قانون حرکت نمی کرد. نکته اینجاست که پشتیبانی آگاهانه یا ناآگاهانه پرسنل اینگونه واحدهای آلاینده، کار را برای پیشبرد در مسیر صحیح که حتی می تواند به نفع خودشان نیز باشد، سخت می کند. چنانچه پرسنل نمونه هایی از همین واحدها که سرانجام با حکم های قضایی تعطیل شده اند، سال هاست پیگیر حق و حقوق خود طبق قانون هستند. اتفاقی که برای معادن شن و ماسه منطقه ۱۸ تهران رخ داد، از همین دست ماجراهاست. در واپسین لحظات که این معادن نفس می کشیدند، کارگران زیادی در آنها مشغول به کار نبودند ولی همان ها که قبلاً بارها با نیروهای مدیریت شهری، انتظامی، بسیج و معتمدین محله برخورد کرده بودند، در مواجهه با پلیس امنیت و مستولان قضایی سخت راضی می شدند که از کارگاه خارج شوند. اما خیلی زود همه درها و ورودی ها مهر و موم شدند و بسیاری از کارگران در نبود مالکان با چشمانی خیس، کارگاه را ترک کردند. این را باید تلنگری جدی برای سایر صنایع آلاینده تهران همچون کارخانه روغن نباتی قو، کارخانه سیمان تهران و... دانست که با حکم توقف فعالیت شان صادر شده یا در فهرست خروج از شهر قرار گرفته اند. آنچنان که خبرهای البته نه چندان موثقی از کارخانه قو می رسد که حقوق ها طی ماه های اخیر سر وقت پرداخت نشده است اما پرسنل تاکنون در این رابطه شفاف سازی یا شکایتی انجام نداده اند. این در صورتی است که با همکاری بموقع با سایر نهادها، تصمیمات بهتری می شود برای جایه جایی کارخانه، سهمین شدن در طرحی که قرار است به جای آنها به اجرا درآید و همچنین پرسنل گرفت. اما واقعیت این است که اصلا هوای آسمان شهر و یکدیگر را نداریم و دود حاصل از این بی توجهی در چشم همه فرو می رود.